

توصیه‌های رهبری به هیات دولت چه دلایلی داشت؟

ایده حفظ دولت‌ها تا لحظه آخر



اول: سندروم سال پایانی

مدت‌هاست که در افواه عمومی باحتی ادبیات سیاسی ایران واژه‌ای با عنوان سندروم سال پایانی دولت جا افتاده است؛ اصطلاحی که توضیح می‌دهد دولت‌های مختلف در سال پایانی فعالیت، دچار مشکلات بزرگ و عمیده شده‌اند، مشکلاتی که هرچند برخی از آنها ناشی از اتفاقاتی است که شاید دولت در وقوع آنها خیلی نقشی نداشت، اما حتما بخش عمده‌ای از ایرادها و چالش‌های سال‌های پایانی دولت دست‌ساز کارگزاران نزدیک به روسای جمهور و پربساخته اهدافی است که حلقه اصلی کابینه در ذهن می‌پروراند. در این میان با دنظر گرفتن چنین فرضی، به نتیجه دیگری می‌هم برسیم و آن اینکه برخی به اشتباه تصور می‌کنند یا تمعدا تلاش دارند که بگویند این اصطلاح رایج یعنی سندروم سال پایانی صرفاً دربرگیرنده موضوعات و مسائلی اقتصادی است، این درحالی است که اگر با دقت سسال‌های پایانی دولت‌های پس از جنگ را بررسی کنیم، خواهیم دید در هر سه دولت هاشمی، فتنجانی، محمد خاتمی و محمود احمدی نژاد چالش‌هایی متشکل از موضوعات اقتصادی و سیاسی به‌اضافه‌ها کردن دولت و فقدان انجام پروژه‌های بزرگ و جدی گریبانگیر دولت و طبعاً کشور شده است.

دولت ششم، هاشمی، فتنجانی

دو سال پایانی دوره هاشمی از آن دوره‌های پرتلاطم و پرافت‌وخیز کشور است. از یک سو جریان نزدیک به دولت‌یابه‌عبارت دیگر حزب کارگزاران فعالیت‌های گسترده‌ای را آغاز می‌کند تا بتواند خود را در قدرت نگاه دارد و از سوی دیگر تبعات اشتباهات اقتصادی دولت همچنان گریبانگیر است و مشکلات فراوانی را برای زندگی مردم فراهم آورده است. درخصوص مورد اول، ماجرا از انتخابات مجلس

پنجم که حدوداً یک سال ونیم قبل از انتخابات ریاست جمهوری هفتم برگزار شد، شروع می‌شود. اعضای کارگزاران سازندگی و دیگر نزدیکان دولت ابتدا به شکل ناشیانه‌ای تلاش می‌کنند مجلس را به تسخیر درآورند و وزرای دولت را راهی پارلمان کنند، که البته موفق نمی‌شوند، لذا بعد از آن تمام توان خود را به میدان می‌آورند تا دوران فعالیت رئیس جمهور مستقر را تداوم بخشند یا اینکه دولت بعد را از مسیری که خود می‌خواهند به قدرت برسانند. پروژه تکرار بدنه دولت پنجم و ششم در دولت‌های هفتم و هشتم تقریباً موفق ظاهر می‌شود و یک‌دو جین از زورا و مدبران دولت سازندگی وارد دولت اصلاحات می‌شوند؛ اتفاقی که البته کم‌حاشیه هم نیست و تلاطمات زیادی را در جامعه ایجاد می‌کند. تبعات این درگیری سیاسی و رها کردن امور در اوج بحرانی که سیاست‌های تعدیل اقتصادی آفریده، حسابی دردرس‌ساز شده است. در سال‌های ۷۵ و ۷۶ که از نظر سیاسی چنین چالش‌هایی وجود دارد، در اقتصاد کشور همچنان درگیر تورم، گرانی و سختی در معیشت مردم است. دولت به‌تازگی رکورد تورم ۴۹٫۸۵ درصدی را پشت‌سر گذاشته و لذا ناراضیانی‌ها در اوج است. در سال ۷۶ کشور تورم ۱۷٫۳ درصدی را تجربه می‌کند و رشد اقتصادی روی عدد صفر می‌ایستد.

دولت هشتم، محمد خاتمی

سندروم سال آخر، در دولت اصلاحات به‌گونه دیگری خود را نشان می‌دهد. عمق ناراضیانی‌ها در سال‌های پایانی دولت هشتم به‌شدت افزایش یافته بود و محمد خاتمی حتی در دانشگاه که روزی توانسته بود با توسل به نیروهای فعال آن اکثریت آرای مردمی را به خود جلب کند و پیروز انتخابات شود هم توان حضور نداشت. در چنین شرایطی درگیری‌ها در جنبه اصلاحات و از پس ناکامی‌هایی که در دو انتخابات مجلس و شورای شهر رقم خورد، به اوج رسید. آنها در آزادترین انتخابات تاریخ کشور، یعنی انتخابات شورای شهر که حتی اعضای نهضت آزادی هم فرصت حضور یافته بودند، شکست سختی خوردند و در تهران نتوانستند حتی یک نفر را هم به پارلمان شهری بفرستند. چند ماه بعد این اتفاق در انتخابات مجلس هفتم هم تکرار شد. البته ماجرای انتخابات مجلس هفتم از چند ماه قبل‌تر و زمانی که مجلس جولانگاه تحصن و اعتراض نمایندگان رادیکال قرار گرفته بود، آغاز شد؛ همان تحصنی که با بی‌اعتنایی مردم و سپس ایجاد یک دودستگی بزرگ در میان فعالان اصلاح‌طلب همراه شد و درگیری درون حزبی را به اوج خود رسانید. این درگیری‌ها آنقدر سنگین بود که در انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۴ اصلاح‌طلبان با چند کاندیدای متفاوت حضور یافتند و

دولت نهم، محمود احمدی نژاد

در عین حال همه آن نامزدها ناکام ماندند. در سال پایانی دولت اصلاحات در نتیجه همین درگیری‌های درونی کشور به‌نوعی رها می‌شود، در سال آخر دولت اصلاحات کمتر پروژه در خوری صورت می‌گیرد و این بی‌عملی تا جایی جلومی‌رود که محمد خاتمی در ایام پایان دولت از آرزویش برای اجرای هدفمندی یارانه‌ها می‌گوید و افسوس از اینکه زمان را از دست داده است.

دولت دهم، محمود احمدی نژاد

دو سال پایانی دولت دهم مردم شاهد جمع چالش‌هایی بودند که در ادوار پیش قابل مشاهده بود، یعنی از یک سو درگیری درون دولت ایجاد شده بود و در چالش جریان انحرافی، بخش مهمی از نیروهای اصلی دولت از آن کناره گرفته بودند، در ادامه همین ماجرا رئیس وقت دولت تمام تلاش خود را برای انجام یک پروژه سیاسی و پیروزی در انتخابات بعد هزینه کرد و نهایتاً رهایی اقتصاد و بازار تلاطم سنگینی برای کشور فراهم آورد. احمدی نژاد که بعد از پیروزی در سال ۸۸ گمان می‌کرد در میان اقبال‌یابین جامعه و بدنه رای حزب‌اللهی، وضعیت تثبیت‌شده‌ای دارد، بی‌اعتنا به جریان سیاسی حامی خود به‌سمت جذب رای منتقدانش حرکت کرد و با روی آوردن به اقداماتی عجیب و غریب

گفت‌وگو

غلامرضا مصباحی مقدم در گفت‌وگو با «فرهنگستان» مطرح کرد

خوش‌خیالی نسبت به غرب پاشنه آشیل سال آخر دولت

ایشان مقداری شکاف ثروت و فقر افزایش یافته بود، اما، از نظر تلاش پر حجم و فعالیت‌های پرکار بسیار خوب عمل کرد و می‌توان گفت چون بعد از دوران جنگ هم بود بازسازی اقتصادی را به خوبی پیش برد و یک پایه و مبنای اقتصادی قوی برای ادوار بعدی از خود به‌جای گذاشت. بنابراین آقای هاشمی حواشی اقتصادی زیادی غیر از مساله افزایش شکاف طبقاتی نداشت.

دولت روحانی ارتباط با غرب را بهتر از ارتباط با شرق می‌داند

رهبری روز گذشته تاکید داشتند نباید اقتصاد را به تحولات خارجی گره زد، با این گزاره بحث مذاکره و پالس غلط به خارج برای انتخابات ۱۴۰۰ با اقداماتی همچون فروش اوراق که موجب به‌دهکار کردن دولت بعدی می‌شود را چطور ارزیابی می‌کنید؟
من تصور می‌کنم رفتار دولت آمریکا با ایران طی سال‌های اخیر به‌خوبی دولتمردان ما را متوجه این کرده که نباید این مقدار اتکا به مناسبات بین‌المللی در مسائل اقتصادی می‌کردند و این مقدار خوش‌خیالی نشان می‌دادند؛ در واقع این موضوع تا حد زیادی اثر خود را روی مواضع دولت گذاشته است ولی اصولاً یک زرنیانی فکری در این دولت وجود دارد که همچنان ارتباط با غرب بهتر از ارتباط با شرق است و این نکته قدری انسان را نگران می‌کند. بنظر می‌رسد همچنان حالت مبسر و انتظار وجود دارد، همچنان ایسن انتظار که انتخابات ریاست جمهوری آمریکا با شکست ترامپ و پیروزی بایدن و برگشت به برجام اتفاق افتد و ثمرات پیمان برجام برای دولت باشد. لذا این خوش‌خیالی کم و بیش هنوز وجود دارد.

فروش اوراق و به‌دهکار کردن دولت بعدی چطور؟

درباره به‌دهکار کردن دولت بعدی یک نرم بین‌المللی وجود دارد و تا آن نرم هنوز جا داریم که ۴۰ درصد بودجه عمومی کشور است و هنوز به آن نرم نرسیده‌ایم و از این جهت جای نگرانی وجود ندارد و البته در شرایط سختی هم قرار داریم. هم حاصل عملکرد دولت طی سال‌های گذشته و هم فشارهای خارجی و تحریم‌ها و قطع فروش نفت به خارج از کشور اثرگذار بوده است. از این رو دولت ناگزیر است بودجه کسری خود را از چنین راه‌هایی دنبال کند. این راه‌ها باز بهتر است هر چند بهترین نیست.

تعجب می‌کنم که رئیس جمهور می‌گوید ما استقراض نکردیم

من معتقدم این راه‌ها بهتر از این است که دولت از بانک مرکزی استقراض کند؛ چه به‌صورت مستقیم که در سال ۹۷ اتفاق افتاد و من تعجب می‌کنم که رئیس جمهور عنوان می‌کند ما استقراض نکردیم، چه به‌صورت غیرمستقیم که در سال جاری هم اتفاق افتاد و آن ۶/۲ میلیارد یورو مربوط به برداشت از صندوق توسعه ملی هم در بودجه و هم بعداً با اذن رهبری انجام شد.

این برداشت از صندوق توسعه ملی از نظر عملکرد و از نظر اثر همان نتیجه استقراض از بانک مرکزی را دارد چرا که از قابل دسترسی نیست و نمی‌توانند ارز را مورد استفاده قرار دهند و یک نوع جابه‌جایی بین آنچه به‌نام صندوق توسعه ملی در حساب‌های خارجی بانک مرکزی است و آنچه به‌نام دارایی‌های خارجی بانک مرکزی است، صورت می‌گیرد. این هم استخراج است و همین موجب شده با پمپاژ نقدینگی روبه‌رو باشیم، یعنی هم تورم شدیداً افزایش یافته و هم نقدینگی رشد عجیبی پیدا کرده است.

بنابراین دولت نباید از این راه‌ها استفاده کند و بهتر این است که از مردم منابع نقدینگی را جمع کند، ولو این امر بدی را به سال‌های بعد منتقل کند.

عضو کمیسیون برنامه و بودجه در گفت‌وگو با «فرهنگستان» مطرح کرد

کارهای شعاری و پوپولیستی مهم‌ترین تهدید سال آخر

اگر بخواهیم یک نگاه مقایسه‌ای داشته باشیم در سال آخر دولت احمدی نژاد بازار ارز و طلا را رها کرده و به دنبال برخی پروژه‌ها رفته بود، دولت روحانی هم همین‌طور است، کما اینکه رهبری گفتند دولت نباید اقتصاد را به تحولات خارجی گره بزند، ارزیابی شما از این امر چیست؟

درباره این مصادیق نمی‌توانم صحبت کنم و کلی اشاره کردم که متأسفانه این درد طولانی است و مربوط به دولت آقای روحانی هم نیست. همان‌طور که در همه دولت‌ها وجود داشته و مصادیق متفاوت است. یک رئیس جمهور به دنبال کارهای سطح پایین و اصطلاحاً چپ‌پست است و دیگری به دنبال کارهای سطح پایین دیگری است.

آنچه باقی می‌ماند عملکرد کلی دولت است

همان‌طور که رهبری همواره تاکید داشتند آنچه باقی می‌ماند عملکرد کلی دولت است، مخصوصاً در سال آخر که تا چه حد دولت در کار خود جدی است و واقعاً برای رای کار کرده یا برای رضای خداوند بوده؛ لذا این برای مردم بسیار مهم است. اگر احساس شود که دولتی برای رضای خدا و خدمت به مردم کار کرده نمره قابل قبول تری دریافت می‌کند تا دولتی که احساس شود برای رای کار کرده است. اکنون دولت باید نشان دهد تا چه اندازه در کار خود صادق بوده و تا چه حد مسائل را جدی می‌گیرد. این مصادیق خوبی برای عملکرد دولت است و انتظار می‌رود دولت توجه جدی به این مساله داشته باشد.

ضرب داند به مسائل پوپولیستی از مهم‌ترین تهدیدات دولت روحانی در سال آخر است

از منظر اقتصادی مهم‌ترین تهدیدات موجود برای سال آخر دولت روحانی را چه مواردی می‌دانید؟

یکی از مهم‌ترین تهدیدات این است که بخواهد به‌گونه‌ای عمل کند که فضای اقتصادی دشوارتر شود و جدیت لازم را نداشته باشد و مسائل زودگذر و طرح‌های ابتدایی و سطحی را بر کارهای کلان و بلندمدت اولویت دهد. به جهت گیری‌ها توجه نکنند و دنبال کارهای شعراگونه و پوپولیستی باشد و در واقع بیشتر درصدد این باشد که امور را طوری پیش ببرد که کارهای پوپولیستی و عوام‌فریبانه اولویت پیدا کند. تهدید دیگر این است که دولت به‌گونه‌ای کار را دنبال کند که کار برای دولت بعدی سخت باشد و عملاً شرایط به‌گونه‌ای پیش برود که دولت بعدی یا افراد توانمند جرات نکنند ورود کنند.

بنابراین اینها مسائلی است که به‌عنوان تهدید تلقی می‌شود و اینکه مسائل جناحی در سال آخر پرتنگ شود و بر کار دولت سایه بیندازد و منافع مردم قربانی منافع حزبی و جناحی شود، از دیگر تهدیداتی است که ممکن است در سال آخر متوجه آنها باشد.